


Studying the Relationship between Social Capital and the Nature of I'tibari (Credit) Money

✉ **Mostafa Habibollah Pourzeshki**  / PhD student of Theoretical Economics, Imam Sadeq University
mhp_1375@isu.ac.ir

Mohammad Soleimani / Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadeq University

Received: 2024/04/05 - **Accepted:** 2024/08/06

solimani@isu.ac.ir

Abstract

As a social phenomenon, money has been differently defined and interpreted by economic schools. The wrong perception of the nature of money and its incorrect interpretation by jurists has sometimes led to incorrect rulings regarding the newly created phenomenon of money. Using the analytical-descriptive method and analyzing the process of money creation, this article studies the relationship between social capital and the nature of credit money. Based on the findings, money is a social phenomenon whose formation is closely related to social credits. Based on Allameh Tabatabaei's theory of I'tibari perceptions, social capital can be considered as a real phenomenon supporting the creation of money. This approach has distinct implications for monetary governance. Within this framework, managing inflation expectations is among the core duties of central banks. Strengthening the social capital of the government can help improve monetary system relations and adjust inflation expectations in line with the policy goals of monetary governance.



Keywords: nature of money, credit money, social capital, theory of I'tibari perceptions, monetary governance.


JEL classification: E49, E51, A13.

بررسی نسبت سرمایه اجتماعی و ماهیت پول اعتباری

mhp_1375@isu.ac.ir

solimani@isu.ac.ir

مصطفی حبیب‌اله پورزرشکی  / دانشجوی دکتری اقتصاد نظری دانشگاه امام صادق 

محمد سلیمانی / استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق 

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

چکیده

پول به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، با تفاسیر متعددی در میان مکاتب اقتصادی روبه‌رو است. تلقی اشتباه از ماهیت پول و موضوع‌شناسی نادرست آن توسط فقها، سبب صدور احکام نادرست پیرامون پدیده مستحدثه پول می‌شود. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با تحلیل فرآیند خلق پول، به بررسی نسبت سرمایه اجتماعی و ماهیت پول اعتباری می‌پردازد. براساس یافته‌های مقاله، پول پدیده‌ای اجتماعی است که شکل‌گیری آن ارتباط تنگاتنگی با اعتباریات اجتماعی دارد. با تکیه بر نظریه اعتباریات علامه طباطبائی، سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان امری حقیقی، پشتوانه خلق پول دانست. این رویکرد دلالت‌های متمایزی برای حکمرانی پولی دارد. در این چارچوب، مدیریت انتظارات تورمی از وظایف اصلی بانک‌های مرکزی است؛ تقویت سرمایه اجتماعی حاکمیت می‌تواند به بهبود روابط نظام پولی و تنظیم انتظارات تورمی متناسب با اهداف سیاستی حکمران پولی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: ماهیت پول، پول اعتباری، سرمایه اجتماعی، نظریه اعتباریات، حکمرانی پولی.

طبقه‌بندی JEL: E13, E51, E49

پول به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی، دارای تفاسیر متعدد در میان مکاتب اقتصادی است. مسئله پول برای اقتصاددانان بسیار پیچیده است و بدون شک سال‌های متمادی اذهان آنان را به خود مشغول کرده و خواهد کرد (آیکین و روویچ، ۱۳۵۸، ص ۳۳۸). پول از گذشته در تعاملات انسانی در اجتماع جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. مؤیدی بر این ضرورت، ادعای اغراق آمیزی است که می‌گوید: «پول جهان را می‌چرخاند» (گلین دیویس، ۲۰۰۲، ص ۱). با توجه به ابعاد گسترده پدیده پول، مطالعات درخور توجهی در علم اقتصاد و علوم دیگر همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم سیاسی درباره پول و اثرات آن انجام شده است (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۷). از این رو می‌دانیم که با برش‌های تحلیلی گوناگونی به پدیده پول توجه شده است.

موضوعات مرتبط با هستی‌شناسی و شناخت ماهیت پول، یکی از موارد اختلافی میان اندیشمندان علوم اجتماعی است. البته این مسئله کلان به خرده مسائل جزئی‌تری قابل تفکیک است؛ اعم از اینکه: (پول چیست؟ چند نوع پول وجود دارد؟ ارزش پول از کجا می‌آید؟ و...). پاسخ این خرده مسائل در مسائل دیگری که به‌صورت غیرمستقیم با ماهیت پول مرتبط می‌شوند، سرریز دارد. این مسائل عبارت‌اند از: جبران کاهش ارزش پول به چه معناست؟ بازار پول و شکل‌گیری نرخ بهره از لحاظ فقهی چه حکمی دارند؟ یا حتی سؤالات جدی دیگری در نسبت با حکمرانی بازار پول مطرح می‌شود؛ برای مثال: چه نهادی باید متولی عرضه پول در اقتصاد باشد؟ آیا جهت جبران کسری بودجه، می‌توانیم عرضه پول را افزایش دهیم؟ چه کسی ضامن تورم ناشی از پولی کردن کسری بودجه است؟

در تلاش‌هایی که برای شناخت ماهیت پول انجام شده، چند اشکال کلی وجود دارد: اولاً اینکه مطالعات پولی تک‌ساخته بوده و توجهی به تأثیر و تأثرات متقابل اجتماعی و اقتصادی پول نمی‌شود؛ ثانیاً در مطالعات اقتصادی، در طی چند دهه گذشته تقریباً همه نگاه‌ها به بانک‌ها و مقررات احتیاطی آنها، دارای ماهیت اقتصاد خرد بوده (یا کوب و کامهوف، ۲۰۱۵) و بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸، سبب توجه مجدد به ابعاد اقتصاد کلان این مسئله شد؛ ثالثاً پول از گذشته در تعاملات انسانی در اجتماع جایگاه ویژه‌ای داشته است. با توجه به ابعاد گسترده پدیده پول، مطالعات درخور توجهی در علم اقتصاد و علوم دیگر همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم سیاسی درباره پول و اثرات آن انجام شده است (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۷). از این رو می‌دانیم که با برش‌های تحلیلی گوناگونی به پدیده پول توجه شده است.

با توجه به مشکلات مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که باید به پول به‌عنوان یک پدیده اجتماعی نگاه کرد و ضمن توجه به جایگاه آن در تعاملات اجتماعی، در یک تحلیل جامع اجتماعی - اقتصادی، پول و فرایند خلق پول را شناخت. از این رو در این مقاله برخلاف روند بسیاری از تحلیل‌های رایج، که با تبیین تک‌ساخته اقتصادی و یا اجتماعی ماهیت پول، به‌سمت تبیین فرایند خلق پول حرکت می‌کنند، با روش تحلیلی - توصیفی، ضمن تبیین فرایند خلق پول، به‌دنبال تبیین تلقی صحیح از ماهیت پول هستیم. از این رو با استفاده از توجهاتی که در فلسفه اسلامی در نسبت میان حقیقت و اعتبار مطرح می‌شود، امر حقیقی پشتوانه پول اعتباری مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو با تبیین حول روابط اجتماعی شکل گرفته پیرامون پدیده پول، اعتماد و سرمایه اجتماعی را به‌عنوان حقیقت پشتوانه پول اعتباری معرفی می‌کنیم.

چنانچه در واقعیات اجتماعی اطراف خویش درنگی کنیم، درمی‌یابیم پول به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی، دارای تفاسیر متعدد در میان مکاتب اقتصادی است. از منظر فقه اسلامی، شناخت ماهیت و ویژگی پدیده‌های اقتصادی از جمله پول، بسیار بااهمیت است؛ زیرا اندک تفاوتی در فهم ماهیت و ویژگی‌های پول، می‌تواند تفاوت‌های فراوانی در تطبیق احکام بر پول داشته باشد و همچنین در نوع سیاست‌های پولی اتخاذشده، فهم پول و ماهیت آن ضروری است (یوسفی، ۱۳۹۳). اندیشمندان مختلف پول را بر اساس ملاک‌های مختلف طبقه‌بندی کرده‌اند: برخی بر اساس معیار ناشر دولت و بانک مرکزی یا بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی باشد، پول‌های اعتباری منتشرشده را تمیز داده‌اند؛ برخی دیگر بر اساس معیار نقد یا بدهی بودن پول تفکیک کرده‌اند؛ برخی دیگر بر اساس معیار ماده اولیه پول و اینکه ظرف پول چه باشد، تمایز قائل شده‌اند و بر این اساس میان ارزش مبادله‌ای و ارزش مصرفی پول تفکیک کرده‌اند (داوودی و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۴۰-۴۸). اما احکام صادره پیرامون پول به‌عنوان یک پدیده مستحدثه در میان فقها، وابستگی بسیاری به تلقی ایشان از ماهیت پول دارد. شهید صدر در *اقتصادنا* می‌نویسد: «احکام صرف در فقه اسلامی با تغییر پول از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کند» (صدر، ۱۳۵۷). در نتیجه ممکن است موضوع‌شناسی متفاوت و یا اشتباه از این پدیده، علی‌رغم تسلط بر منابع دین و روش اجتهادی، منجر به تفاوت و یا اشتباه در حکم شود.

پول، پدیده اجتماعی

پول پدیده‌ای اجتماعی است. پدیده معادل لاتین (Phenomenon)، واژه‌ای یونانی و به‌معنای چیزی که ظاهر می‌شود و قابل رؤیت است، می‌باشد. در علوم انسانی پدیده به آن چیزی اطلاق می‌شود که دارای واقعیتی مدرک و یا قابل ادراک باشد (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۵۸۳). در زبان جامعه‌شناسی کلمه پدیده (Phenomena) به یک واقعیت اجتماعی به هر شکل و صورت که باشد و صرفاً با توجه به مسلم بودنش برای همگان، عینی بودن و تردیدناپذیری‌اش، اطلاق می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۶۶).

پدیده‌های اجتماعی به اجتماع انسانی متکی است و از این مفهوم سازمان‌ها و تأسیسات، نهادها و جلوه‌های گوناگون حیات اجتماعی؛ همچون هنر، ادبیات، دین، اخلاق، آداب و رسوم، عادات، تعلیم و تربیت، زبان، عقاید و افکار و وقایع بی‌شمار دیگری را می‌توان نام برد که هر فرد آنها را در خارج از خود می‌یابد (وٹوقی و نیک‌خلق، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

نظریات حول ماهیت پول

سؤال از ماهیت پول، یکی از مسائلی است که تا به امروز در اقتصاد مدرن، مورد منازعات بسیاری قرار گرفته است. از حیث ماهوی، دو نظریه متعارف درباره «ماهیت پول» قابل طرح است. به‌تبع این مسئله، سؤال‌هایی مانند «پول چیست؟»، «ارزش پول از کجا می‌آید؟» و «پول چگونه ایجاد می‌شود؟» مطرح می‌شوند. کروثر (۱۹۵۰، ص ۱۳) در این‌باره می‌گوید: «پول چیست؟» این سؤالی است که افراد کمی می‌توانند به آن پاسخ گویند؛ اگر چه تقریباً تمام افراد فکر می‌کنند که پاسخ آن را می‌دانند. همه افراد در عمل می‌دانند که چه چیزی پول محسوب می‌شود، اما افراد کمی می‌توانند پول را تعریف کنند یا ممیزات آن را نسبت به کالاها بیان کنند (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴).

تعریف پول بر اساس کارکردها با تعریف ماهوی پول تفاوت دارد. بررسی ماهیت پول در تاریخ اقتصاد پولی، منجر به تشکیل دو رویکرد متعارف «متالیسم» و «چارتالیسم» شده است. ریشه این تقسیم‌بندی را می‌توان تا اندیشه‌های ارسطو و افلاطون پیگیری کرد، ولی برای اولین بار ناپ در سال ۱۹۰۵، این تقسیم‌بندی را تصریح کرده است (رسی، ۲۰۰۷، ص ۹). وقتی به برخی تعاریف موجود در کتب درسی اقتصادی می‌نگریم، تأکید و تکیه اصلی این متون در تبیین پول، اشاره به کارکردهای پول است. برای مثال هیکس (۱۹۶۷) بیان می‌دارد: «پول آن چیزی است که وظایف پول را انجام می‌دهد» (Money is what money does). پول علاوه بر اینکه «شمارنده‌ای» (unit of account) برای اندازه‌گیری قیمت است (واحد سنجش)، دو کارکرد اصلی «واسطه مبادله» (medium of exchange) و «ذخیره ارزش» (store of value) را نیز ایفا می‌نماید (گرازیانی، ۲۰۰۳).

اینکه چرا تعریف بر اساس کارکردهای یک پدیده، جایگزین تعریف ماهوی پدیده اجتماعی پول می‌شود، به ساختار واقعیت‌های نهادی بازمی‌گردد. واقعیت‌های اجتماعی و نهادی، واقعیت‌هایی هستند که وجود آنها نیازمند وجود نهادی بشری است. اینها (واقعیت‌های اجتماعی) ناظر به اغراضی خاص خلق می‌شوند و از این رو برای ما در ارتباط با همان اهداف و ایفای کارکرد، قابل ادراک هستند؛ زیرا «ماهیت احکام اعتباری»، «ماهیت آلی» و وسیله‌ای است (مطهری، ۱۴۰۳ق، ص ۴۷). شرایط اجتماعی زندگی ما ایجاب می‌کند، این واقعیت‌ها برای ما مسلم فرض شود. وقتی بخواهیم به واقعیت‌های اجتماعی از منظر کارکردی نگاه نکنیم، و بخواهیم آنها را بر اساس خصوصیات ماهوی بدون ارجاع به منافع و غایات تعریف کنیم، این امر نیازمند یک عملیات فکری سخت است (سرل، ویلز و اسلاسر، ۱۹۹۵). از این رو سؤال اصلی پژوهش، سؤالی هستی‌شناسانه پیرامون پول به‌مثابه یک واقعیت اجتماعی است تا بتوانیم تعریفی از ماهیت پول ارائه کنیم. جان سرل در کتاب *ساخت واقعیت اجتماعی* به سؤالات هستی‌شناسانه پیرامون پدیده‌های اعتباری اجتماعی می‌پردازد. این سنخ سؤالات به‌گونه‌ای هستند که سرل بیان می‌کند: «به نظرم می‌آید که آنها (وبر، زیمل و دورکهایم) در جایگاهی نیستند که بتوانند به پرسش‌هایی که مایه حیرت و سردرگمی‌ام شده است پاسخ گویند؛ زیرا فاقد ابزارهای لازم‌اند؛ یعنی آنها بدون آنکه تقصیری متوجه خودشان باشد، نظریه‌ای مکفی درباره کنش‌های گفتاری، درباره جملات انجام‌گر (performatives)، درباره حیث التفاتی، درباره حیث التفاتی جمعی و... در اختیار نداشتند» (سرل، ۱۳۹۷، ص ۱۴). از این رو برای پاسخ به این مسئله سرل یا فیلسوفی که بتواند با او به گفت‌وگو بنشیند؛ همانند علامه طباطبائی، در تمهید مبانی مورد نیاز برای هستی‌شناسی پول کمک خواهند کرد.

رویکرد متالیستی

اما برای پاسخ به سؤالاتی پیرامون ماهیت پول، در تاریخ پول با رویکردهای متالیستی و چارتالیستی مواجه می‌شویم. در رویکرد «متالیستی» به پول، به‌مثابه کالا نظاره می‌شود؛ یعنی «ماده» و فیزیک پول اصالت می‌یابد. به دلیل تأکیدات فراوانی که بر ارزش استقلال فلزات گران‌بها که پول را از آن می‌ساختند، این نظریه به نظریه فلزگرا مشهور است. در بحث‌های تاریخ علم اقتصاد، ریشه نگاه کالایی به پول را به ارسطو نسبت می‌دهند (اینگهام، ۲۰۰۴).

در واقع پول به‌عنوان یک پدیده اقتصادی تحت فعل و انفعالات بازاری و انگیزه‌های خصوصی، در بستر تاریخ به واسطه مبادله‌ای که مقبولیت عام دارد، تبدیل شده است. از این منظر، پول در اصل کالایی با ویژگی‌های خاص است؛ از این جهت که مبادله نیازمند یک واسطه متعارف است تا مشکل «ناهم‌زمانی نیازها» به وجود نیاید، لذا پول با ایفا کردن این نقش به‌مثابه انباره و ذخیره ارزش در هر دوره‌ای، در شکل‌های گوناگون ظاهر می‌شود (فیشر، ۱۹۱۱، ص ۱۶)؛ از این رو پول در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نظریه کالایی پول که در ادبیات نوکلاسیک غالب است، پول را کالایی مشابه دیگر کالاها می‌بیند؛ به‌گونه‌ای که همانند سایر کالاها که در اقتصاد خرد برای آن عرضه و تقاضا، منحنی مطلوبیت و... در نظر می‌گیرند، برای پول نیز عرضه و تقاضا استخراج می‌کنند. در این نظریه «پول به‌مثابه یک چیز» (Money as a Thing) است که دارای حجم و سرعت در گردش خاص است. پول چون کالایی است که قابل مبادله و ارزش است، پس نقش واسطه مبادله را می‌تواند بر عهده گیرد.

فهم کالایی از پول دارای دو سطح است: پول یا کالای خاصی است؛ یا سندی است که دال بر یک کالا یا مجموعه‌ای از کالاهاست که آن کالاها ارزش ذاتی دارند و این سند قابل تبدیل به آن پشتوانه کالایی است. این نگاه سبب شده تا تطورات صوری واحدهای پولی را در طول تاریخ شاهد باشیم. بشر به‌دنبال واحد ارزشی بود که ضمن داشتن حجم کم، واجد ارزش باشد. سرانجام فلزات از قبیل طلا و نقره را یافت که بتواند به‌عنوان وسیله مبادله انتخاب شوند (قدیری اصلی، ۱۳۶۸، ص ۸۷). ریکاردو (۱۹۵۱) ضمن اشاره به نظریه ارزش خود بیان می‌کند، همان‌طور که برای سنجش و اندازه‌گیری طول و وزن از معیارهایی که خود دارای طول و وزن هستند استفاده می‌شود، برای سنجش ارزش نیز باید به‌دنبال معیاری باشیم که خود دارای ارزش باشد.

والراس در مدل تعادل عمومی خود همواره کالای n ام را به‌عنوان «شمارنده» (Numeraire) در نظر می‌گیرد. همچنین والراس به کرات از واژه کالای پول (Commodity Money) بهره می‌برد. والراس صراحتاً بیان می‌کند: «معیار ما از ارزش باید کمیته مشخص از یک کالای داده شده باشد» (والراس، ۱۹۵۴). بعدها افراد بسیاری؛ همچون آلبرت اُپتیت در کتاب *رساله‌ای درباره نظریه عمومی پول* (Essai sur la theorie g'enerale de la monnaie, ۱۹۰۱) تلاش کردند که نظریه پولی خود را بر اساس مدل تعادل عمومی والراس تبیین کنند (والکر، ۲۰۰۶، ص ۲۷۹). در ادامه شلینگر (۱۹۱۴) نظریه پول والراس را در یک وضعیت تعادل عمومی توسعه داد.

فیشر اشاره می‌کند که «هر کالایی که پول نامیده می‌شود، باید به صورت عمومی در مبادلات مورد پذیرش قرار گیرد، و هر چیز که به‌طور عام در مبادلات مورد پذیرش قرار می‌گیرد، باید پول نامیده شود» (فیشر، ۱۹۱۱، ص ۲). همچنین هیکس اشاره دارد که «کالای شمارنده بدون هیچ تفاوتی نسبت به سایر کالاها وارد مدل نمی‌شود... هر یک از $n-1$ کالای دیگر هم می‌توانست کالای شمارنده در نظر گرفته شود» (هیکس، ۱۹۶۷، ص ۳).

این رویکرد در قرون متمادی نگاه غالب را شکل داده بود، اما در قرن اخیر با پدیده‌های مواجهه شدیم و آن تغییر در ماده پول بود. انتشار کاغذهایی فاقد ارزش مستقل به‌عنوان پول، سدی جدی در مقابل تبیین کالایی از پول به‌شمار می‌رود. البته در قرون هجدهم و نوزدهم مبادلات با پول‌های کاغذی در اروپا عمومیت داشته است (ژیلبرت، ۱۹۹۸). نکته مهم آن است

که تلقی افراد از این پول‌های کاغذی، کاغذهایی با پشتوانه ارزشمند بود؛ از این رو هیچ سؤالی در مقابل تبیین کالایی از پول ایجاد نمی‌کرد. اما عمومیت یافتن پول‌های کاغذی بدون پشتوانه (Fiat Money) در قرن بیستم، به‌هیچ‌وجه با نظریه متالیستی قابل تبیین نبود (هاتچینسون و کر، ۲۰۱۲، ص ۳۶۴). در این بین عده‌ای سعی داشتند که سرکوب دولتی را دلیل پذیرش پول بدون پشتوانه بدانند و همچنان از نظریه متالیستی دفاع کنند، اما این تبیین مقبول واقع نشد. همچنین پس از ظهور پول بانکی و اعتبار، تبیین متالیستی از پول با پرسش‌های جدیدی روبه‌رو شد. در این نگاه‌های جدیدتر که زمینه‌ساز شکل‌گیری نگاه چارتالیستی شد، پول بانکی یک تعهد به پرداخت یا اعتبار بود و هیچ مابه‌ازای کالایی نداشت. شومپیتر بیان می‌کند که «بانکدار یک واسطه مالی نیست، بلکه تولیدکننده اعتبار است». به بیان دیگر، بانکدار به‌تنهایی قدرت خریدی را که به کارفرما وام می‌دهد، خلق می‌کند (شومپیتر، ۱۹۹۴).

رویکرد چارتالیستی

اما در رویکرد مقابل، نگاه «چارتالیستی» مطرح می‌شود. اصطلاح چارتالیسم از ریشه «چارتا» در لاتین گرفته شده که به معنای دلالتی یا قراردادی (Token) و بلیط آمده است (ناپ، ۱۹۲۴، ص ۳۲). این رویکرد تفاوت‌هایی جدی در مقایسه با رویکرد متالیستی در تبیین خاستگاه پول، ماهیت پول، جایگاه دولت در معنای عام آن و نحوه عملکرد پول دارد. رویکرد چارتالیستی یا پول دولتی، اولین بار توسط جورج فردریش ناپ اقتصاددان آلمانی در سال ۱۹۰۵ در کتاب نظریه دولتی پولی (The State Theory of Money) مطرح شده است (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۳۰). برخلاف نظریه متالیسم که پول را مخلوق بازار می‌داند، از منظر چارتالیستی، پول مخلوق قانون است؛ به این معنا که رفتار قاعده‌مند افراد جامعه، به پول اعتبار می‌دهد (ناپ، ۱۹۲۴، ص ۴۰).

در این نظریه بین دو وجه «اعتباری» و وجه «فیزیکی» پول تفکیک ایجاد می‌شود و به وجه اعتباری آن اصالت بیشتر داده می‌شود. زیمل به تفکیک بین پول و عینیت که کارکرد پولی بر آن وضع شده است اشاره دارد و بیان می‌کند که «تا آنجا که حقیقت خالص پول مورد توجه است، پول کاملاً باید منفک از کیفیت‌های ثانوی، که آن را در برابر کالاهای دیگر قرار می‌دهد تفسیر شود» (زیمل، ۱۹۷۸، ص ۱۲۴). در این رویکرد پول یک کالا یا شیء فیزیکی محسوب نمی‌شود، بلکه رابطه‌ای اعتباری محسوب می‌شود. در واقع پول از منظر این افراد به‌مثابه «پدیده اجتماعی» و نه «پدیده اقتصادی» درک می‌شود. مارکس نیز به این تفکیک توجه دارد و بیان می‌کند: «قیمت یا شکل پولی کالاها، مانند ارزش آنها به‌طور کلی، از شکل ملموس مادی و واقعی‌شان کاملاً متمایز شده و شکلی کاملاً ذهنی و مجازی است» (مارکس، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲). در این نگاه وجود و بقای پول نیازمند یک توافق یا همگرایی اجتماعی است و لذا انگیزه‌های خصوصی در پیدایش یا بقای آن منتفی است.

در نظریه متالیستی، علت اعتبار یافتن پول را به جوهر مادی پول نسبت می‌دهند. برخی منشأ ارزش پول در نگاه چارتالیسم را مالیاتی که دولت از مردم می‌گیرد، بیان می‌کنند (Taxes gives money its value)؛ حتی بحث را در

سطح تمدنی بررسی می‌کنند و ارزش پول را در طول تمدن، از مالیات می‌دانند (موزلر، ۲۰۱۰، ص ۵). ماسگریو (۲۰۰۹) در نقد این نگاه بیان کرده: «تقاضای مالیات برای اخذ مالیات به صورت کالای خاص، ضرورتاً آن کالا را پول رایج نمی‌کند؛ همچنین نیازی نیست مالیات به صورت «Money fiat» پرداخت شود».

اما به‌عنوان جمع‌بندی این بخش اشاره به این نکته ضروری است که گزاره‌های مختلفی حول توصیف پول در دیدگاه‌های فوق مطرح شده است. برخی اندیشمندان با در نظر گرفتن چهار مولفه ارزش مبادله‌ای، ارزش مصرفی، نقد یا بدهی بودن پول و ترکیب آنها، پول را به چهار دسته پول تمام عیار نقد، پول تمام عیار بدهی، پول اعتباری نقد و پول اعتباری بدهی تفکیک کرده‌اند (داوودی و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۴۷-۶۲). برخی دیگر اشاره داشته‌اند که پول به‌وسیله قرارداد اجتماعی بنا شده؛ پول با حرکت دادن نوک قلم خلق می‌شود؛ پول نمایانگر ارزش انتزاعی است (زیمل، ۱۹۷۸، ص ۱۲۰) و پول، طلبی از جامعه است (زیمل، ۱۹۷۸، ص ۱۷۷). از نکات مطرح‌شده در تبیین پول اعتباری درمی‌یابیم که «بین پول‌های فلزی (طلا و نقره) و پول مدرن تفاوت ماهوی وجود ندارد» (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۴، ص ۲۱). پس باید در مقام تحلیل به امر ثابتی درخصوص ماهیت پول توجه پیدا کنیم تا بتوانیم هر دو نگاه به پول را، در یک دستگاه تحلیلی جدید تحلیل کنیم.

کماکان سؤالات ما درباره چستی پول مدرن، اینکه چرا و چگونه پول می‌تواند چنین ویژگی‌ها، کارکردها و آثاری داشته باشد و مقبول جامعه قرار گیرد، باقی مانده است. همچنین تحلیل‌های اجتماعی از پول، نتوانسته تسری لازم را در تحلیل‌ها داشته باشد، بلکه هریک از رویکردهای مطرح‌شده، تنها به توصیف بخشی از واقعیت پدیده پول می‌پردازد و جامعیت لازم درخصوص پاسخ به دو سؤال حول ماهیت پول و ارزش پول را ندارد. اگر هم در این نگاه‌ها به پاسخ این دو سؤال پرداخته شده، این دو پاسخ ارتباط معناداری با یکدیگر ندارند.

فرایند خلق پول در نظام پولی مدرن، شاهدهی بر تلقی اعتباری بودن پول

رویکردی که در دو دهه ابتدایی قرن بیستم مطرح شده، معتقد است که هر بانک به‌تنهایی همه پول‌ها را از «هیچ» خلق می‌کند و نیازی به جذب سپرده پیشینی ندارد. این رویکرد نظریه خلق پول در بانکداری، با نظریه تأمین مالی مبتنی بر خلق پول نامیده می‌شود (کميجانی و دیگران، ۱۳۹۷). مطابق این دیدگاه، بانک هنگام وام‌دهی یا سرمایه‌گذاری خلق پول می‌کند بدون اینکه جذب سپرده پیشینی داشته باشد. در واقع شروع فرایند خلق پول، با یک قرض‌گیرنده است که بانک برای او، یک وام و یک سپرده به‌صورت هم‌زمان خلق می‌کند. با توجه به همین نکته ابتدایی که در فرایند خلق پول مطرح شده می‌توان دریافت که در این دیدگاه، بانک به‌هیچ‌وجه، در نقش واسطه‌گر وجوه نیست. هنگامی که این وام در حساب‌های بانک به‌عنوان یک دارایی جدید ثبت می‌شود، به‌طور هم‌زمان، یک سپرده نیز به همان مقدار، به‌عنوان بدهی، در حساب‌های بانک ثبت می‌شود (کميجانی و دیگران، ۱۳۹۷). بانک با وام‌دهی قدرت خرید جدید یا همان پول را خلق می‌کند.

از این رو پس‌انداز بانکی، نتیجه غیرارادی فرایند وام‌دهی و سرمایه‌گذاری است و علت فرایند وام‌دهی و سرمایه‌گذاری نیست. به بیانی دیگر در نظام بانکی، پس‌انداز موجب تأمین مالی سرمایه‌گذاری نمی‌شود؛ بلکه خلق پول بانک این کار

را انجام می‌دهد. لیندنر (۲۰۱۵) بیان می‌کند که قرض‌دهنده‌ای که توانایی خلق پول دارد، به‌طور هم‌زمان هم دارایی‌های مالی خود را افزایش می‌دهد و هم بدهی‌های مالی خود را می‌افزاید و این در حالی است که اگر نتواند خودش خلق پول کند، مجبور است انباشت پول خود را کاهش و انباشت دیگر دارایی‌های مالی خود را افزایش دهد. این تفاوت عمده بانک و سایر نهادهای مالی است. لازمه این امر در حسابداری بانک این است که هنگام وام‌دهی، دو طرف ترازنامه بانک به‌صورت هم‌زمان بزرگ می‌شود و دارایی و بدهی خلق شده، متعلق به یک فرد است.

تلقی اشتباه از ماهیت بانک و فرایند خلق پول سبب شده است تا مسئله ماهیت پول نیز به‌صورت صحیح فهم نشود. برخی از ریشه‌های دیدگاه‌های ناقص درخصوص بانک به تفصیل در مقاله (مک‌لی، رادیا و توماس، ۲۰۱۴) بررسی شده است که به‌صورت خلاصه و اجمالی عبارت‌اند از: ۱. تلقی کالایی از پول همان‌گونه که در مدل‌های رشد نئوکلاسیک نیز شاهد هستیم؛ ۲. فهم پول در چارچوبی غیر از ترازنامه بانک مرکزی و شبکه بانکی؛ ۳. بی‌توجهی به اصول حسابداری دوطرفه؛ ۴. عدم تفکیک بین ترازنامه بانک مرکزی و سایر بانک‌ها؛ ۵. بی‌توجهی به لوازم هدف‌گذاری نرخ بهره توسط بانک مرکزی از یک سو و از سوی دیگر کنترل پایه پولی که سبب افزایش نرخ بهره می‌شود. برداشت کالایی از پول مدرن اشتباه است و اعتباری بودن پول، توصیف دقیق‌تری است. حال به‌دنبال تبیین نوع اعتبار و ماهیت پول اعتباری هستیم. امری که در بسیاری از موارد در تحلیل‌های اقتصاددانان مغفول واقع می‌شود.

تمهید شناخت جدید از ماهیت پول

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، فهم صحیح از پول، در تحلیل پول به‌مثابه یک پدیده اجتماعی به‌دست می‌آید. روابط پولی، روابطی اجتماعی است (زیمل، ۱۹۷۸). در واقع پول نوعی برساخت اجتماعی (Social construction) است. اینگهام (۲۰۰۴) بیان می‌کند که پول فی‌نفسه رابطه‌ای اجتماعی است؛ یعنی پول چیزی نیست جز برابند مالکیت، در ساختار روابط اجتماعی. ضمناً اینگهام اشاره می‌کند که پول باید به‌مثابه ادعا یا اعتبار فهم شود که به‌وسیله روابط اجتماعی خاصی که مستقل از تولید کالا و خدمات است، موجودیت می‌یابد.

لورنس هریس (۱۹۸۱) در کتاب *تئوری پولی* بیان می‌کند:

این واقعیت که پول یک پدیده اجتماعی است؛ یعنی پول نه تنها به این دلیل وجود دارد که انسان یک موجود اجتماعی است و دارای فعالیت‌های متعدد است (که شامل فعالیت‌های اقتصادی می‌شود)، بلکه پول در چارچوب اجتماعی شکل می‌گیرد و از آن مهم‌تر اینکه تنها در یک چارچوب اقتصادی اجتماعی ویژه به وجود می‌آید. انواع گوناگون پول بر اساس انواع ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آید (هریس، ۱۹۸۱، ص ۴).

پس جنبه مهم‌تر اجتماعی بودن پول به این است که پول در جامعه در چارچوب نهادی، اقتصادی و اجتماعی خاصی وجود می‌یابد. وقتی به پول به‌مثابه یک نهاد اجتماعی نظر می‌کنیم، در این حالت می‌توانیم ریشه پیدایش پول، ماهیت و کارکردهای آن را در یک دستگاه تحلیلی جامع تبیین کنیم.

تفاوت تبیین واقعیت اجتماعی در فلسفه اسلامی و مدرن

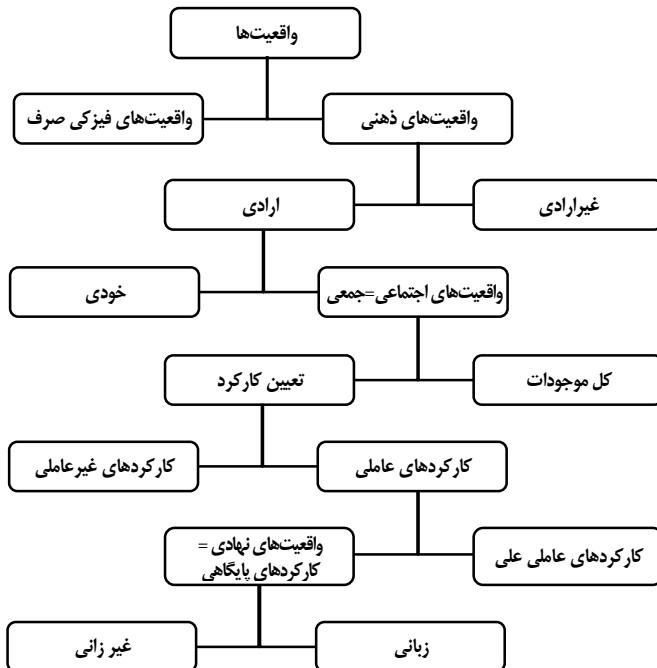
برای شناخت پول به‌مثابه پدیده اجتماعی و واقعیت نهادی، باید فهم مناسبی از نهاد داشته باشیم. سرل در پاسخ به سؤال نهاد چیست؟ بیان می‌کند:

نهاد عبارت است از هر نظامی از قواعد (روش‌ها، آداب) که به‌نحو جمعی مورد پذیرش است و ما را به خلق واقعیت‌های نهادی قادر می‌سازد. این قواعد معمولاً دارای صورت $\{X \text{ در } C \text{ به‌عنوان } Y \text{ محسوب می‌شود}\}$ هستند؛ که در اینجا شیء، شخص و یا وضع امور X ، به وضع مخصوصی، یعنی وضع Y ، متعین می‌شود که این وضع جدید شخص یا شیء را به ایفای کارکردهایی توانا می‌سازد که صرفاً به انکای ساختار فیزیکی‌اش قادر به ایفای آن نیست؛ بلکه به‌عنوان شرط لازم، به تعیین جمعی آن وضع نیاز دارد. بنابراین خلق واقعیت نهادی عبارت است از تعیین جمعی کارکرد وضعی (سرل، ۲۰۰۵، ص ۲۱-۲۲).

در اینجا دو چیز باید از هم تمییز داده شود: اول وضع اعتبارشده و دوم کارکردی که بر آن وضع مترتب است. آن وضع اعتبارشده، همان نهاد است. این نهادها انسان‌ها را قادر به خلق واقعیت‌هایی می‌کنند که واقعیت‌های نهادی نام دارند.

همان‌طور که در شکل (۱) مشخص است، پدیده‌ها در نگاه سرل به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. واقعیات طبیعی که وجودشان وابسته به مشاهده‌گر و سوژه است؛ ۲. واقعیات نهادی که وجودشان مستلزم وجود نهاد است و پول یکی از واقعیات‌های نهادی است. ساختمان واقعیت نهادی وابسته به چهار انگاره اصلی است: الف) تعیین کارکرد (Assignment of function)؛ ب) حیث التفاتی جمعی (Collective intentionality)؛ ج) قواعد قوام‌بخش (Constitutive rules)؛ د) کارکردهای وضعی (Status functions) (سرل، ۲۰۰۵، ص ۲۲).

شکل ۲ رابطه واقعیت اجتماعی و اعتباریات



در این نگاه قوام کارکرد وضعی به اعتبار جمعی افراد جامعه وابسته است و خلق واقعیت نهادی نیز صرفاً با تعیین جمعی و کارکردهای وضعی ممکن خواهد بود و نهاد همین وضع اعتبار شده است. این کارکردها به واسطهٔ حیث التفاتی جمعی توسط انسان‌ها اعتبار می‌شوند و از این رو به لحاظ هستی‌شناختی، سوژکتیو هستند، اما به واسطهٔ جمعی بودن اعتبار آن، از حیث معرفت‌شناختی ایزکتیو هستند (عبداللهی و جان محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۰). البته نهادها را می‌توان متضمن نظامی از روابط قدرت در قالب مسئولیت‌ها، حقوق، تکالیف، توانایی‌ها و محدودیت‌ها تلقی کرد (عبداللهی و جان محمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۹). اما در نگاه فلاسفهٔ اسلامی واقعیت اجتماعی به گونه‌ای دیگر تعریف می‌شود. علامه طباطبائی می‌نویسد:

هریک از مفاهیم اعتباری که در نظر گرفته می‌شود، بر روی حقیقتی استوار است؛ یعنی مصداق واقعی و نفس‌الامری دارد و نسبت به آن مصداق حقیقت است. در حقیقت، مفاهیم اعتباری از مفاهیم حقیقی حسی یا انتزاعی اقتباس شده است، در نتیجه اعتبار‌گرایی موضوعی و هستی‌شناسانه ممکن است درست باشد، اما نسبی‌گرایی معرفتی در اینجا موضوعیت ندارد (امیدی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱).

در همین زمینه شهید مطهری می‌نویسد:

معمولاً مفاهیم و موضوعات و محمولاتی که در قوانین موضوعه به کار برده می‌شود، همه یا بعضی از آنها اعتباری و مجازی می‌باشند. تعریف و شناختن این مفاهیم به این است که بدانیم این اعتبارات از چه حقایقی اخذ و کپی شده است؛ زیرا در فلسفه در جای خود ثابت شده است که همهٔ اعتبارات سرانجام به گونه‌ای به حقایق مربوط می‌شوند [و امور اعتباری که کپی و به اصطلاح فرد ادعایی واقعیات‌اند، به نحوی باید منشأ واقعی داشته باشند]. و الا ذهن بشر ابتدا به ساکن و به صورت ابداع مطلق، قدرت جعل هیچ اعتباری را ندارد (مطهری، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۶).

یکی از مهم‌ترین مباحث محوری که در فلسفهٔ اسلامی بر خلاف فلسفهٔ مدرن وجود دارد، تقدم هستی‌شناسی بر معرفت‌شناسی است. همان‌طور که ملاحظه شد، در تبیین اعتباریات، تفاوت جدی میان نگاه فلاسفهٔ اسلامی و فلسفهٔ مدرن وجود دارد. اصل توجه به رابطهٔ طولی حقیقت و اعتبار و اینکه همهٔ اعتبارات سرانجام به گونه‌ای به حقایق مرتبط می‌شوند، توجهی است که در فلسفهٔ اسلامی وجود دارد و ثمرهٔ تقدم هستی‌شناسی بر معرفت‌شناسی است. این توجه در شناخت ماهیت پدیده‌های اعتباری، در فلسفهٔ مدرن با تمرکز به کارکردها ظهور و بروز می‌یابد. وقتی شناخت پدیده‌های اعتباری صرفاً به شناخت کارکردها منحصر می‌شوند، گویا پدیده‌ها از درون تهی می‌شوند.

رابطهٔ حقیقت و اعتبار در روابط پولی

وقتی به روابطی که حول پول شکل می‌گیرد توجه می‌کنیم، «دلیل» اعتبار یافتن پول را، منشأ اجتماعی آن می‌یابیم. پول رابطهٔ اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای است. پول به وسیله ارتباطات اجتماعی بنا نهاده شده است (اینگهام، ۲۰۰۴، ص ۱۲). اینگهام بیان می‌کند که ایجاد پول به معنای ایجاد یک رابطهٔ «اعتبار - بدهی» (Debt-Credit) است و طی آن یک نفر بدهکار و دیگری بستانکار می‌شود. پس اینجا یک رابطهٔ دوسویه شکل گرفته که یک طرف آن پذیرش بدهی و طرف مقابل ایجاد اعتبار است (داگلاس، ۲۰۱۶).

وقتی به روابط پولی توجه می‌کنیم، پول یک اقرار به بدهی است که نشان‌دهنده طلب‌هایی از تولید اجتماعی است. هر فرد در اقتصاد تهاتری در قبال ارائه خدمت و تولید محصول به دیگر افراد جامعه، خدمت یا محصولی را از دیگری طلب می‌کند. فرد بدهکار در اقتصاد پولی مابازای خدمت، سندی که حکایت از بدهی او دارد، به بانکار می‌دهد. این سند بدهی در صورتی قابل پذیرش و تأیید عمومی است که بدهی آن از سوی مقام معتبری، ضمانت شود و این ضمانت از قواعد قوام‌بخشی است که سرل بدان اشاره دارد. در واقع شاهدیم که اعتبار آن مقام ضامن و معتبر، پشتوانه آن سند بدهی قرار می‌گیرد. پس در نگاه سرل، نهاد پول همان رابطه بدهی است که اصالتاً ناملوس، انتزاعی و ساجکتیو است؛ اما حکایت از ابجکتیویتی معرفت‌شناختی دارد. همچنین کارکردهای وضعی پول نیز برای ما، در تعاریف رایج پول بر اساس کارکردهای پول واضح است. پذیرش عمومی قواعد قوام‌بخش نیز همان امری است که خلق پول را ممکن ساخته است.

اما در فلسفه اسلامی، پس از موشکافی واقعیت اجتماعی، توجه به حقیقت پشتوانه امر اعتباری، موضوعیت می‌یابد. در حقیقت توجه این پژوهش بر روی حقیقتی متمرکز می‌شود که بنیاد پذیرش عمومی را فراهم می‌آورد. حقیقتی که قوام قواعد قوام‌بخش قرار می‌گیرد و کارکردهای وضعی به واسطه آن امکان تحقق می‌یابند. این حقیقت همان اعتبار و سرمایه اجتماعی ناشر بدهی است؛ نهادی که اعتبار آن منشأ ضمانت بدهی و اعتبار پول قرار می‌گیرد.

رابطه سرمایه اجتماعی و اعتبار پول

وقتی به روابط پولی دقت می‌کنیم، درمی‌یابیم که این روابط ضرورتاً مبتنی بر یک اعتماد طرفینی بین بانک (خالق پول و نماینده حاکمیت) و فرد وام‌گیرنده شکل می‌گیرد. اصلاً به واسطه همین اعتماد است که اولاً فرد «الف» به بانک مراجعه می‌کند؛ ثانیاً سند بدهی خلق شده بانک را می‌پذیرد؛ و ثالثاً بانک به واسطه اعتمادی که به فرد «الف» پیدا می‌کند، به او وام می‌دهد. همچنین به همین دلیل است که افراد، واحد پول آن کشور را در معاملات خود به کار برده و از آن استفاده می‌کنند و اگر آن حاکمیت را به رسمیت نمی‌شمردند، شاید شاهد رواج واحدهای پولی معتبر متعدد بودیم. این رابطه دوسویه بر بنیاد اعتماد و سرمایه اجتماعی انباشت شده، بنا می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی ناشر بدهی، پشتوانه حقیقی اعتبار خلق شده قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر اعتبار خلق شده مبتنی بر حقیقتی که همان سرمایه اجتماعی است، پذیرفته می‌شود.

کینگ (۲۰۱۲) در سطح تحلیل خرد از تعامل بانک و مشتریان به این نکته اشاره می‌کند که هنگامی که بانک‌ها به مشتریان خود وام می‌دهند، در واقع با بانکار کردن حساب مشتریان خود، خلق پول می‌کنند. اینجا شاهد پذیرش سند بدهی بانک توسط مردم هستیم و اولین مرحله شکل‌گیری اعتماد طرفین است. باید اشاره داشت که این سطح از اعتماد شکل گرفته را می‌توان در سطح کلان به اعتماد انباشته میان حاکمیت و مردم نسبت داد، ولی انتخاب مردم مبنی بر تعامل با بانک «الف» و عدم تعامل با بانک «ب»، یا وقوع پدیده ترس فراگیر در برخی از بانک‌های شبکه بانکی، نشان از تفاوت سطح اعتماد مردم به هریک از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی دارد؛ البته ریشه این اعتماد می‌تواند کارآمدی و سایر عوامل باشد، اما آنچه مشخص است آن است که مردم وارد تعامل با بانک «الف»

شده‌اند و نه بانک «ب»؛ درحالی که حاکمیت نسبت یکسانی با بانک‌های «الف» و «ب» برقرار کرده و به هر دو به یک میزان اعتبار بخشیده است. همچنین در تعاملات خرد بازار، شاهدیم که حجم زیادی از تعاملات و روابط، به واسطه اعتبار و اعتمادی که طرفین به یکدیگر دارند، به وسیله اسناد دریافتنی و پرداختنی تسهیل می‌شود. اینجا نیز شاهد ظهور و بروز تبدیل صورت اعتماد و سرمایه اجتماعی در لایه خرد و میانه، به سایر انواع اعتبار هستیم.

در سطح کلان نیز شاهدیم به واسطه اعتماد مردم به نماینده حاکمیت (یعنی بانک مرکزی به عنوان ناشر اسناد بدهی)، شبکه بانکی می‌تواند خلق پول کند. در یک کشور، اعتماد مردم نسبت به حاکمیت انباشت می‌شود و سرمایه اجتماعی در لایه کلان شکل می‌گیرد. در واقع امکان خلق اعتبار برای حاکمیت، به سبب تجمع اعتماد و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ایجاد می‌شود. این سرمایه اجتماعی در ابتدا سبب می‌شود آنچه که حاکمیت اعتبار می‌کند، در بین مردم نیز معتبر دانسته شود و مردم ضمانت حاکمیت را بر روی اسناد بدهی بپذیرند؛ سپس نهادهای تعیین شده اجزای شبکه بانکی از سوی حاکمیت، به اعتبار سرمایه اجتماعی حاکمیت، معتبر شناخته می‌شوند و محل رجوع مردم قرار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که اگر این اعتماد به شبکه بانکی نبود، مراجعت به آنان صورت نمی‌گرفت و اعتبارات آنان نیز محترم شمرده نمی‌شد. بانک مرکزی به عنوان نماینده حاکمیت این اعتماد را برای مردم به وجود می‌آورد تا مردم به شبکه بانکی مراجعت داشته باشند؛ یعنی شاهد بهره‌مندی شبکه بانکی از اعتماد و سرمایه اجتماعی حاکمیت یا انتقال این اعتبار و اعتماد از حاکمیت به شبکه بانکی هستیم. اصلاً به واسطه قدرت ابرای (Legal tender) بانک مرکزی است که اسکناس، مسکوک و تراکنش‌های شبکه بانکی محترم شمرده می‌شوند (گودهارت، ۱۹۸۹، ص ۳۶).

در واقع اگر اعتماد مردم نسبت به حاکمیت نبود و حاکمیت نزد مردم مقبولیت و اعتبار نداشت، نگاه مردم برای پول رسمی کشور - که حاکمیت پشتوانه آن است - ارزشی قائل نشده و در مبادلات خود از آن بهره نمی‌بردند. گودهارت بی‌اعتبار شدن مسکوکات حکومت‌ها به زوال را به همین طریق تبیین می‌کند (گودهارت، ۱۹۹۸، ص ۴۱۴). پول در این نگاه، همچنان اعتباری قلمداد می‌شود، ولی نه صرفاً اعتباری بین‌الذنهانی و اعداد موهوم، بلکه اعتباری مبتنی بر یک حقیقت بالاتر تحت عنوان سرمایه اجتماعی. با این توصیفات، بهتر می‌توان جملات اندیشمندان را جایگاه یابی کرد و تمامی آنها را در یک دستگاه تحلیلی جامع‌تر فهم کرد: «پول طلبی از جامعه است... پول حواله‌ای است که نام تأدیه‌کننده از آن حذف شده است» (زیمل، ۱۹۷۸، ص ۱۷۷). «پول مطالبه‌ای از تولید اجتماعی است» (شومیتسر، ۱۹۹۴).

تبیین پول اعتباری مبتنی بر حقیقتی به نام سرمایه اجتماعی این امکان را فراهم می‌آورد تا نگاه متالیستی به پول را نیز در دستگاه تحلیلی جامع خود تحلیل کنیم. پول طلا یا پول کالا می‌تواند دو معنا داشته باشد: یا جنس پول طلا باشد؛ یا اینکه پول می‌تواند هر جنسی داشته باشد و حتی الکترونیکی باشد، اما اتصال به طلا داشته باشد و پشتوانه آن طلا باشد. معنای اتصال به طلا داشتن این است که قابلیت تبدیل داشته باشد؛ یعنی آن واحد معین از پول، معادل مقدار معینی از طلا است. صرف ادعا مبنی بر اینکه آن پول برابر مقدار معینی از طلا است، برای اعتبار پول کافی نیست، بلکه باید مرجع قدرتی که حکم آن مقبول است، تضمین کند که اگر کسی آن پول را ارائه کند، آن مرجع قدرت به اندازه‌ای معین طلا می‌دهد.

در هر دو حالت فوق الذکر، چاره‌ای نداریم تا مرجع قدرتی، ارتباط و اتصال بین پول و طلا یا کالا را، تضمین کند. دربارهٔ حالت دوم این امر مشخص است که نهاد مرجع قدرت باید ارزش معادل آن را تعیین کند و آنچه اهمیت دارد، ضمانت مرجع معتبر بین مردم است. دربارهٔ حالت اول یعنی پول از جنس طلا نیز، باید ضمانتی وجود داشته باشد که آن سکه از جنس طلا، عیار معینی داشته باشد. آنچه محترم است و مبنای کنش قرار می‌گیرد، ضمانت مرجع قدرت معتبر میان مردم است. کما اینکه وقتی آلیاژهای به‌عنوان سکه نزد مردم قرار می‌گرفت، بارها آن پول‌ها و مسکوکات، عیارشان توسط حاکمیت‌ها کاهش پیدا می‌کرد؛ حتی دربارهٔ مسکوکات طلا و نقره در طول تاریخ، مفهوم پول بودن با مفهوم طلا بودن برای مردم تفاوت داشته است.

همان‌طور که مشخص شد در هر دو حالت، محترم شمردن تعهد و ضمانت حاکم توسط مردم است که آن پول را برقرار می‌کند. تاریخ نشان می‌دهد که مطرح کردن پول طلا یا پول کالا به‌عنوان یک مانع طبیعی برای جلوگیری از متورم شدن پول، توهم است و آنچه موضوعیت دارد انضباط مالی حاکمیت در حفظ ارزش پول است. پس این پایبندی و تعهد حاکمیت است که مستلزم ایفای نقش صحیح پول طلا است و نه خود طلا. در طول تاریخ نیز شاهدیم که اگر این ضامن به تعهد خود پایبند بماند و عیار مسکوکات را تغییر ندهد، طلا می‌تواند نقش مانع طبیعی را ایفا کند. پول سند بدهی است و دو مؤلفهٔ مقبولیت (Acceptability) و اعتبار (Credibility) (ناشر سند بدهی، نقش محوری در جلب اعتماد و انباشت سرمایهٔ اجتماعی دارد.

امروزه بانک‌های مرکزی به‌جای کنترل مقدار ذخایر، معمولاً با تعیین قیمت ذخایر (یعنی نرخ‌های بهره)، سیاست پولی را اجرا می‌کنند (مک‌لی، رادیا و توماس، ۲۰۱۴، ص ۱۵)؛ یعنی بانک‌های مرکزی بر تعیین مقدار ذخایر تمرکز نمی‌کنند تا نرخ بهره کوتاه مدت مورد نظر را تعیین کنند (همان‌گونه که توسط دیسیانات (۲۰۰۸) بحث شده است). در عوض آنها بر تعیین نرخ‌های بهره تمرکز دارند (مک‌لی، رادیا و توماس، ۲۰۱۴، ص ۲۱). همچنین بیندسیل (۲۰۰۴) روایتی مفصل از چگونگی اجرای سیاست پولی به‌وسیلهٔ نرخ‌های بهره کوتاه مدت ارائه می‌کند. اگر بانک مرکزی بخواهد سیاست هدف‌گذاری نرخ تورم و نرخ بهره را در پیش گیرد، باید توجه جدی به مقولهٔ کنترل انتظارات بازیگران داشته باشد. مؤلفهٔ محوری در مدیریت انتظارات، اعتبار و سرمایهٔ اجتماعی سیاست‌گذار، در تمام لایه‌های خرد، میانی و کلان است؛ حتی بیان شده که غرض از سیاست‌های پولی، اقدامات هدفمندی است که مقامات پولی در یک کشور، از طریق کنترل عرضهٔ پول با هدف تثبیت اقتصادی (ثبات قیمت‌ها و حفظ اعتماد به پول ملی) اعمال می‌کنند (سروت، ۲۰۱۴). اعتبار بیشتر بانک مرکزی هزینهٔ کاهش تورم را کمتر می‌کند؛ همچنین اصالتاً به پایین نگه داشتن تورم کمک می‌کند و به حمایت عمومی از استقلال بانک مرکزی کمک می‌کند (آلان بلبندر، ۱۹۹۹، ص ۲۱).

در ظهور پدیدهٔ ریسک سیستمیک و پدیدهٔ ترس فراگیر (Panic)؛ امری که سبب گسترش رفتار هیجانی مردم می‌شود و ریسک نقدینگی یک بانک را به سایر بانک‌ها تسری می‌دهد، اعتماد از بین‌رفتهٔ شبکهٔ بانکی است. وقتی اعتماد به بخشی

از شبکه بانکی فرو می‌ریزد، تسلسل این پدیده کل شبکه بانکی را فرامی‌گیرد. استمرار و شیوع گسترده این ورشکستگی‌ها در شبکه بانکی، سرمایه اجتماعی شبکه بانکی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. از این رو بانک مرکزی در راستای حفظ این سرمایه اجتماعی، همواره نظارت دقیقی بر روی ترازنامه‌ها و فعالیت‌های شبکه بانکی دارد؛ چراکه قدرت خلق پول شبکه بانکی، از سرمایه اجتماعی حاکمیت عاریت گرفته شده است. مثال‌های فوق‌الذکر نمونه‌های خوبی به منظور هرچه بیشتر شفاف شدن رابطه سرمایه اجتماعی و اعتبار پول در نظام پولی و تعاملات داخلی آن است.

ویژگی‌های سرمایه اجتماعی

ممکن است بعد از بیان نکات قبل این سؤال مطرح شود که «آیا سرمایه اجتماعی، واقعاً سرمایه است؟» در علم اقتصاد این سؤال، در عرض سؤال «آیا سرمایه اجتماعی، یک واقعیت است؟» قرار دارد و برای پاسخ جامع به آن، به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه و ذکر آثار حقیقی آن می‌پردازیم.

سرمایه اجتماعی به‌منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌گردد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴). متفکران متعددی بر روی بحث سرمایه بودن سرمایه اجتماعی بحث کرده‌اند. وستلاند (۲۰۰۶) بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی مانند سایر انواع سرمایه انباشته و یا مستهلک می‌شود و یا حتی از بین می‌رود. سرمایه اجتماعی دارای خصوصیتی است که آن را در شمار سرمایه اقتصادی قرار می‌دهد. قابلیت تبدیل و انتقال به دیگر سرمایه‌ها یکی از ویژگی‌های کالاهای سرمایه‌ای است که می‌توانند از یک نهاد تبدیل به ستانده، یا از یک ستانده به یک نهاد تبدیل شوند. در این حالت خدمات ارائه‌شده توسط کالاهای سرمایه‌ای به نهاده‌های دیگر مورد استفاده نیز بستگی خواهند داشت. سرمایه اجتماعی همچنین می‌تواند با نهاده‌های دیگر ترکیب شده و نیازهای اساسی انسان را برطرف کند. (کلمن، ۱۹۸۸؛ پورتنس، ۱۹۹۸؛ لین، ۲۰۰۱).

رنانی و دلیری (۱۳۸۸) به دنبال پاسخ به این مسئله هستند که «آیا سرمایه اجتماعی واقعاً سرمایه است؟» و با تحلیل میزان انطباق ویژگی‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی، بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یکی از سرمایه‌های مؤثر در تحلیل‌های اقتصادی وارد شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند چهار نوع خدمت اعم از اقتصادی، اجتماعی و اعتباری یا اطلاعاتی یا انعکاسی را ارائه دهد (رنانی و دلیری، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

قابلیت تبدیل یکی از ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی است. ویژگی دیگری که برای سرمایه اقتصادی، نام می‌برند ماندگاری (durability) است. سرمایه‌های اقتصادی یا فناپذیرند یا مستهلک می‌شوند. سرمایه اجتماعی، نوعی سرمایه اقتصادی است که مستهلک (decay) می‌شود. بر خلاف اشکال مرسوم سرمایه، سرمایه اجتماعی با مصرف نقصان نمی‌یابد، بلکه در صورت مصرف سازنده و در راستای اهداف اجتماع، مصرف آن سبب تقویت بنیادهای سرمایه اجتماعی و استحکام روابط شکل گرفته در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. همچنین باید توجه کنیم که با بلااستفاده ماندن سرمایه اجتماعی، موجبات تضعیف بنیان‌های آن در روابط اجتماعی را ایجاد می‌کنیم.

ویژگی دیگر سرمایه‌های اقتصادی، انعطاف‌پذیری است. بعضی از انواع سرمایه، تنها برای کارکرد ویژه‌ای ایجاد شده و کارکرد محدودی دارند. سرمایه اجتماعی نیز همین گونه است؛ یعنی برخی جنبه‌های آن تنها در دسترس یک گروه خاص است و این حالت به اندازه شبکه اجتماعی و شعاع و میزان اعتماد متقابل بین کنشگران شبکه وابسته خواهد بود. ویژگی دیگر جانشین و مکمل بودن است که سرمایه اجتماعی نیز آن را دارد. برای مثال لوتر (۱۹۹۷) اشاره دارد که تعهد و وظیفه‌شناسی در کار می‌تواند جانشینی برای هزینه‌های نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی باشد. لازرسون (۱۹۹۵) بیان می‌کند سرمایه اجتماعی می‌تواند با کاهش هزینه مبادله، بهره‌وری سرمایه فیزیکی را بهبود دهد و جانشینی برای سرمایه فیزیکی مازاد باشد. پاتنام (۱۹۹۳) مدعی است سرمایه اجتماعی منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فیزیکی و انسانی را افزایش می‌دهد. پس سرمایه اجتماعی تنها یک نهاد تابع تولید نیست، بلکه عامل انتقال تابع تولید نیز هست و از این لحاظ مانند فناوری عمل می‌کند. ویژگی دیگر قابلیت اطمینان است. در اقتصاد قابلیت اطمینان برای اثرگذاری نهاده‌ها در امر تولید دارای دو بعد شدت اثر و طول عمر اثر است که هر دو بعد متأثر از سرمایه اجتماعی است (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۲).

فوکویاما می‌گوید: «سرمایه اجتماعی مفهومی است که افراد را وامی‌دارد که به‌منظور دفاع از علایق و خواسته‌های خود و به‌منظور پشتیبانی از نیازهای جمعی، در کنار یکدیگر جمع شوند، حکومت تشکیل دهند و مناسبات اجتماعی خود را تقویت کنند» (فوکویاما، ۱۹۹۷). فوکویاما (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را فقط در مقوله همکاری مطرح می‌کند و آن را مجموعه‌ای از ارزش‌ها و سنت‌ها می‌داند که در میان اعضای یک گروه قرار دارند و موجب پدید آوردن و تقویت همکاری بین آنها می‌شوند. تعاملات اجتماعی به چند طریق می‌توانند آثار اقتصادی مستمر داشته باشند: اولاً موجب افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی می‌شوند (رنانی و دلیری، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳)؛ ثانیاً اثرات تعاملات اجتماعی در افزایش انسانی نمایانگر می‌شوند؛ ثالثاً اثرات تعاملات اجتماعی مستقیماً در شکل دیگری از سرمایه اجتماعی ذخیره می‌شوند؛ مانند افزایش اعتماد. ویژگی بعد امکانات سرمایه‌گذاری است. منظور همان توانایی ساخت یا تخریب سرمایه موجود است. کلمن (۱۹۸۸) معتقد است که سرمایه اجتماعی محصول جانبی فعالیت‌های دیگر است. وستلاند (۲۰۰۶) بیان می‌کند سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی ممکن است و می‌توان با ایجاد برنامه‌ریزی لازم باعث خلق آن شد.

به‌طور خلاصه باید گفت که واژه سرمایه در سرمایه اجتماعی بیان استعاری نیست و سرمایه اجتماعی بسیاری از ویژگی‌های سرمایه را دارد. البته سرمایه اجتماعی، در بسیاری از صفات، شدید و در برخی ضعیف‌تر است؛ اما ضعف در آن صفات، عامل سرمایه نبودن آن نیست، بلکه این ویژگی‌های سرمایه در انواع سرمایه، شدت و ضعف دارد، اما نقطه اشتراک آنها در سرمایه بودن است.

سرمایه اجتماعی در اندیشه اندیشمندان مسلمان نیز مطرح بوده است. شاید لفظ سرمایه اجتماعی به کار برده نشده است، اما این مفهوم، با عبارات دیگر تبیین شده است. برای مثال علامه طباطبائی ذیل تبیین مفهوم اخوت در جامعه

اسلامی، مفهوم سرمایه اجتماعی و حقیقت آن را تبیین می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «باید دانست که جمله (انما المؤمنون اخوه) قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند، و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود، و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی و حقوقی قانونی نیز دارد» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی ذیل تبیین مفهوم ولایت، اشاره‌ای به مفهوم سرمایه اجتماعی دارند. ایشان می‌فرمایند: اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان، محکم به هم تابیده می‌شوند و جدا کردن آنها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی ولایت می‌گویند. ولایت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر. همه معانی‌ای که برای ولایت در لغت ذکر شده است؛ معنای محبت، معنای قیومیت و بقیه معانی، که هفت، هشت معنا در زبان عربی هست از این جهت است که در هر کدام از اینها، به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد. مثلاً ولایت به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردنشان از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۰۲/۰۶).

ایشان ولایت را به ولایت عرضی و طولی تقسیم می‌کنند و چنین توضیح می‌دهند که ولایت عرضی یعنی پیوستگی مردم با هم که بنده یک امت را تشکیل می‌دهند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۲۰)، و ولایت طولی یعنی پیوستگی مردم با آن مرکزیت فرماندهی که جامعه را یکدست و به یک سو هدایت می‌کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۵۴۲). مشخصاً یکی از محورهای چنین پیوستگی و بلکه مهم‌ترین محور آن اعتماد عمومی است. توصیه‌های دینی بسیاری نیز حول محور اعتماد شکل گرفته که نشان از اهمیت آن دارد. برای مثال توصیه به حسن ظن، اصل صحت عمل مسلمین، توصیه به امانت‌داری و توصیه به وفای به عهد، جدا از جنبه فردی، دارای جنبه عمومی جدی هستند و حول محور اعتماد عمومی در اجتماع شکل می‌گیرند (فصیحی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳-۲۲۴).

نتیجه‌گیری

بسیاری از نظریات رایج در علوم اجتماعی ماهیت پول را تک‌عاملی و تک‌ساحتی (اقتصادی یا اجتماعی) تبیین می‌کنند؛ درحالی‌که پیچیدگی ابعاد مختلف پول و نقش آن در زندگی مدرن، ارائه تحلیل‌های جامع از پول را می‌طلبد. تحلیلی که بتواند ضمن آشکار کردن ماهیت پول، به مجموعه زیادی از سؤالات پیرامون اعتبار، تداوم کارکردهای اساسی پول، چارچوب خلق یا امحای پول و... پاسخ دهد. در این مقاله تلاش شد تا فرایند خلق پول به مثابه یک پدیده اجتماعی، در نسبت با سرمایه اجتماعی تبیین نموده و عقبه پول اعتباری را در مبانی جامعه‌شناختی و اقتصادی سرمایه اجتماعی جست‌وجو کند.

در این مقاله به تبیین پول، به مثابه یک امر اعتباری و روابط امور حقیقی پیرامون آن پرداخته شد؛ از سویی سرمایه اجتماعی به عنوان حقیقت پشتوانه فرایند خلق پول معرفی شد و از سویی دیگر به روابط حقیقی‌ای که پیرامون نهاد پول شکل می‌گیرد اشاره گردید. دانستیم پول سند بدهی است و دو مؤلفه مقبولیت و اعتبار ناشر سند بدهی، نقش

محوری در جلب اعتماد و انباشت سرمایه اجتماعی و در نتیجه پذیرش عمومی پول دارد. می‌توان تلقی‌های متفاوتی از اعتباری بودن پول ارائه نمود؛ اما در دیدگاه اسلامی و با توجه به رابطه حقیقت و اعتبار در فلسفه اسلامی، تمامی اعتبارات از سویی از حقایق اخذ شده و از سویی دیگر به حقایق ختم می‌شوند.

در مسیر مطالعه حاضر، سرمایه اجتماعی به‌عنوان امر حقیقی پشتوانه پول اعتباری معرفی شد، و در فلسفه اسلامی از تسری صفات امر حقیقی به امر اعتباری توجه دادیم. از این‌رو میان صفات و ویژگی‌های متناظر میان سرمایه اجتماعی و پول، می‌توان دقت بیشتری کرد و دلالت‌های این نوع نگاه به پول را یافت؛ مثلاً با پذیرش مالکیت عمومی سرمایه اجتماعی، می‌توان از مالکیت عمومی پول نیز سخن گفت. یا با توجه به ویژگی عدم نقصان سرمایه اجتماعی در صورت مصرف بهینه، تفاوت سرمایه اجتماعی به‌عنوان پشتوانه با سایر کالاها و منابع محدود مثل طلا و نقره مشخص می‌شود.

دلالت دیگر این نوع نگاه به پول، در حکم فقهی پول اعتباری ظهور می‌یابد. برخی قواعد فقهی مثل ایجاد تبعیض ناروا، اکل مال بالباطل و غصب که رأی به تحریم خلق پول می‌دهند، اشکالاتی هستند که به عقبه خلق پول خدشه وارد می‌کنند. با ارائه تبیین صحیح از ماهیت پول، فرایند خلق پول به‌درستی فهم می‌شود و این اشکالات دفع دخیل مقرر می‌شوند، اما این به معنای تأیید آن از منظر فقه شیعه نیست و این موضوع نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. در صورت داشتن چنین نگاهی به پول، می‌توان آن را از اموال عمومی شمرد، به‌گونه‌ای که تصرف در آن راه منحصرأ در اختیار حکومت دانست. یکی دیگر از دلالت‌های این نگاه، تبیین مبنای نظارت دقیق بر عملکرد بازیگران مؤثر بر نظام پولی، ضرورت دخالت‌های پیش از توقف و همچنین اعلام توقف بانک از طریق مقام ناظر است. دلیلی که نظارت جدی‌تر را ایجاب می‌کند، حفظ سرمایه اجتماعی به‌مثابه یک سرمایه عمومی است. همچنین از مهم‌ترین وظایف بانک‌های مرکزی مدیریت انتظارات تورمی است. ظهور پدیده سیب‌زمینی داغ در شرایط تورمی، ضرورت مدیریت انتظارات تورمی را جهت بازگشت ارزش پول ملی ایجاب می‌کند. بسط این مفاهیم و مثال‌های مذکور و بررسی دلالت‌های این نگاه، نیازمند پژوهش‌های مستقل دیگری است و از اهداف این نوشتار خارج است. ارزش پول ملی نسبت متقابل با سطح سرمایه اجتماعی حاکمیت و به‌صورت خاص نهاد حکمران پول دارد و تقویت بنیان‌های سرمایه اجتماعی حاکمیت، در مدیریت تعاملات و روابط نظام پولی کمک‌کننده خواهد بود. وقتی اعتماد به حکمران پولی و تحقق اهداف سیاستی آن به‌درستی شکل گیرد، آنگاه انتظارات تورمی متناسب با اهداف سیاستی حکمران تنظیم خواهد شد.

منابع

- آبیکین، آن دری و روویچ، لادی می (۱۳۵۸). تاریخ تکوین اقتصاد سیاسی. ترجمه ناصر گیلانی. تهران: تیرنگ.
- امیدی، علی (۱۳۹۲). رویکردهای سه گانه روش شناختی در مطالعات علوم اجتماعی و مقایسه آن با نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی. فصلنامه حکمت و فلسفه، ۹(۳۶)، ۹۹-۱۱۸.
- اولیایی، منصوره (۱۳۸۹). واقعیت اجتماعی و اعتباریات: از دیدگاه علامه طباطبائی و جان سرل. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بیرو، آن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. دوفصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۲۶)، ۱-۳۲.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۸(۱۶)، ۱۷۳-۱۹۸.
- _____ (۱۳۹۷). ترتیبات خلق پول عادلانه. فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۲(۱۱)، ۳۳-۴۷.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- داوودی، پرویز و دیگران (۱۳۷۴). پول در اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.
- رنانی، محسن و دلیری، حسن (۱۳۸۸). آیا سرمایه اجتماعی، واقعاً سرمایه است؟. راهبرد توسعه، ۱۹(۳)، ۱۴۷-۱۷۰.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- سبحانی، حسن و درودیان، حسین (۱۳۹۴). ماهیت پول و آثار خلق پول (بانکی) در اقتصاد متعارف: یک ارزیابی انتقادی از منظر اقتصاد اسلامی. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- سرل، جان (۱۳۹۷). ساخت واقعیت اجتماعی. ترجمه میثم محمدامینی. تهران: فرهنگ نشر نو.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۷). اقتصادنا. مشهد: مکتب الاعلام الاسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد علمی و فکری استاد علامه طباطبائی.
- عبداللهی، محمدعلی و جان محمدی، محمدتقی (۱۳۸۹). واقعیت‌های نهادی از دیدگاه جان سرل. متافیزیک، ۲(۶۵)، ۱-۲۲.
- فضیحی، امان‌الله (۱۳۸۹). اسلام و سرمایه اجتماعی: با تأکید بر رویکرد فرهنگی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۶۸). نظریه‌های پولی. تهران: دانشگاه تهران.
- کمیجانی، اکبر و دیگران (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. جستارهای اقتصادی ایران، ۱۵(۲۹)، ۹-۳۸.
- مارکس، کارل (۱۳۹۴). سرمایه - نقد اقتصاد سیاسی. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: آگاه.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۳ق). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: حکمت.
- وٹوقی، منصور و نیک‌خلق، علی اکبر (۱۳۷۶). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: خردمند.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۳). پول جدید از نگاه اندیشمندان. ققه اهل بیت، ۱۶(۱۶)، ۱۰۸-۱۵۰.
- Blinder, A. S. (1999). Central-Bank Credibility: Why Do We Care? How Do We Build It? *The American Economic Review*, 90(5), 1421-1431. <http://www.jstor.org/stable/2677857>.
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94(1), S95-S120. <http://www.jstor.org/stable/2780243>
- Crowther, G. (1950). *An Outline Of Money*. London: Thomas Nelson & Sons.
- Davies, Glyn (2002). *A History of Money: From Ancient Times to the Present Day*. University of Wales Press.
- Douglas, A. X. (2016). *The philosophy of Debt*. London and New York: Routledge.

- Dowd, K., Hutchinson, M., & Kerr, G. (2012). The Coming Fiat Money Cataclysm And The Case For Gold. *Cato Journal*, 32, 363-388.
- Fukuyama, F. (1997). Social capital and the modern capitalist economy: Creating a high trust working place. *Stern Business Magazine*. 4(1).
- Fisher, I. (1911). *The Purchasing Power of Money: its determination and relation to credit, interest and crises*. New York: Macmillan.
- Gilbert, E. (1998). Ornamenting the facade of hell': iconographies of 19th-century Canadian paper money. *Environment and Planning D: Society and Space*, 16, 57-80.
- Goodhart, C. (1989). *Money, Information and Uncertainty* (Second Edition ed.). London: Macmillan.
- Graziani, A. (2003). *The Monetary Theory of Production*. United States: Cambridge University Press.
- Harris, L. (1981). *Monetary Theory*. McGraw-Hill, 1981.
- Hicks, J. (1967). *Critical Essays in Monetary Theory*. London: Clarendon Press.
- Ingham, J. (2004). *The Nature of Money*. Cambridge: Polity Press.
- Jakab, Z., & Kumhof, M. (2015). Banks are not intermediaries of loanable funds and why this matters. *Bank of England Working Paper*, 529, 1-61.
- King. (2012). Speech given by Governor of the Bank of England to the South Wales Chamber of Commerce. *Bank of England*. www.bankofengland.co.uk/publications/Pages/speeches/default.aspx.
- Knapp, G. (1924). *The state theory of money*. London: Macmillan.
- Lazerson, M. (1995). A New Phoenix: Modern Putting Out in the Modena knitwear Industry. *Administrative Science Quarterly*, 40, 34-59.
- Lin, N. (2002). Social capital: A theory of social structure and action (Vol. 19). *Cambridge university press*. DOI:10.1017/CBO9780511815447.
- Lindner, F. (2015). Does saving increase the supply of credit? A critique of loanable funds theory. *World Economic Review*. 2015, vol. 2015, issue 4.
- Masgrave, R. (2009). Chartalism – and why money has value; *Durham University*. UK, <http://charta.blogspot.com>.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014). Money creation in the modern economy. *Bank of England*, 2014, 14-27.
- Mosler. (2010). *Soft currency Economics*. [http://moslereconomics.com/mandatory-readings, soft-currency-economics](http://moslereconomics.com/mandatory-readings/soft-currency-economics).
- Portes, A. (1998). Social capital: Its origins and application in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24, 1–24.
- Putnam, R. D. (1993). What makes democracy work? *National Civic Review*, 1993. 101-107. <https://doi.org/10.1002/ncr.4100820204>.
- Ricardo, D. (1951). *On the Principles of Political Economy and Taxation* (3d ed ed., Vol. 1). (P. Sraffa, Ed.) London: Cambridge: University Press for the Royal Economic.
- Rossi, S. (2007). *Money and payments in theory and practice*. New York: Routledge.
- Schlesinger, K. (1914). *Theorie der Geld-und Kreditwirtschaft*. Munich/ Leipzig.
- Schumpeter, J. (1994). *History of Economic Analysis*. London and New York: Routledge.
- Searle, J. R. (2005). What is an institution? *Journal of Institutional Economics*, 2005 (1), 1-22.
- Searle, J., Willis, S., & Slusser, M. (1995). *The construction of social reality*. Free Press. New York City.
- Servat, J. (2014). *Inflation Targeting: Holding the Line*. International Monetary Funds, Finance & Development.
- Simmel, G. (1978). *The Philosophy of Money*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Walker, D. A. (2006). *Walrasian Economics*. Cambridge University Press.
- Walras, L. (1954). *Elements of Pure Economics or the Theory of Social Wealth*. London: George Allen & Unwin.
- Westlund, H. (2006). *Social Capital in the Knowledge Economy Theory And Empirics*. Springer-Verlag, Berlin, Heidelberg, New York.